

- ۸- الف) ۱- هنگامی که ما درس بخوانیم و علم بسیار به دست آوریم ممکن است برای ما غلبه کردن بر دشمنان مان.  
 ب) ۲- قهرمان همان کسی است که به مردم ظلم نمی کند، حتی در راه زنی کردن.  
 پ) ۱- کارهایی که انسان به شکل نیکوتر آن‌ها را انجام می دهد، ارزش انسان را مشخص می کند.

۹- الف) ناگهان! آهویی آمد، پس آن‌ها (کلاغ، موش، لاک پشت) از صیاد احساس ترس کردند ... (احساس کردند صیاد آمده است، لذا ترسیدند) کلاغ به آسمان پرواز کرد و بر روی شاخه درختی نشست و موش زیر صخره ای رفت و لاک پشت داخل آب رفت، هنگامی که آهو به آب رسید مقداری از آب نوشید و ایستاد و به صحرا نگاه کرد. کلاغ گفت: ای لاک پشت بیا بیرون لاک پشت خارج شد و آهو پرسید: برای چه اندوهگین هستی؟ آهو گفت: من در صحرا تنها هستم، امروز چیزی دیدم و ترسیدم، پس فرار کردم و به این جا رسیدم.

لاک پشت گفت: ما دوست هستیم، پس آهو در آن جا ماند و همگی خوشحال شدند.

ب) لَانَهُمْ ظَنُّوا أَنَّ صَيَادًا جَاءَ. / لَانَهُمْ فَكَّرُوا أَنَّ الصَّيَادَ جَاءَ.

پ) ذَهَبَتِ الْفَأْرَةُ تَحْتَ صَخْرَةٍ.

ت) قَالَتْ: رَأَيْتُ شَيْئًا وَشِعْرَتُ بِالْخَوْفِ، فَهَرَبْتُ وَوَصَلْتُ إِلَى هُنَا.

ث) غَزَالَةٌ ← فاعل و مرفوع الصَّيَاد ← مجرور به حرف جرّ

ذَهَبَتْ ← جمله ی فعلیه (خبر و محلاً مرفوع) مقداراً ← مفعول به و منصوب

وحیده ← خبر مفرد و مرفوع أَصْدِقَاءُ ← خبر مفرد و مرفوع

ج) الصَّحْرَاءُ: اسم، مفرد، مؤنث، جامد، معرفة بال، معرب، غیر منصرف، ممدود

أَخْرَجِي: فعل أمر، للمخاطبة، مجرد ثلاثی، لازم، مبنی

أَصْدِقَاءُ: اسم، جمع مکسر (مفردها: صديق)، مشتق (صفة مشبهة)، نكرة، معرب، غیر منصرف، ممدود

وحیده: اسم، مفرد، مؤنث، مشتق (صفة مشبهة)، نكرة، معرب، منصرف، صحیح الآخر

### ■ دوره سریع مطالب

- ۱- الینعاج: گوسفندان      ذوحذین: دولبه      العیدی: دشمنان      قُلْ الْفَصْلُ: حق را بگو  
 الاغانی: آهنگ‌های بی معنی و مفهوم      تقصیر: کوتاه کردن      الآمال: آرزوها      الأُمْنیة: آرزو

۲- الف) شرط رستگاری در دنیا، کوتاه کردن آرزوست.

ب) ارزش انسان به آن چیزی است که آن را نیکو کند. (ارزش انسان به اندازه نیکی کردن اوست.)

پ) انسان عاقبل کسی است که از تجربه‌ها پند بگیرد.

ت) غرب، غارت ثروت‌هایتان را می‌خواهد.

۳- صدیقی قاضی فی هذه المدينة.

■ آزمون چهارگزینه‌ای

- ۱- گزینه «۴»، قول الفصّل: حرف حق - لایقول: نمی‌گوید - الآ: جز - بهجر: ترک می‌کند. یُحصَل: به دست می‌آورد.
- ۲- گزینه «۲»، «أَقْبَلْتُ عَلَيَّ» (فعل ماضٍ): روی آوردی، «حینما»: هنگامی که، «ناجیتُک»: راز و نیاز کردم
- ۳- گزینه «۲»، «القیّم الانسانِیّة»: ارزش‌های انسانی / «یَبْتَغِدُ»: دور می‌شود. / «التَّبَعِیّة»: وابستگی.
- ۴- گزینه «۱»، «نَهَبَ»: غارت کرد / «العَدیدة»: فراوان (صفت برای ثروات) / «عرضوا»: عرضه کردند / «التَّحَلَّلَ»: بی‌بند و باری
- ۵- گزینه «۲»، تمدّن غرب: «حضارة الغرب» - تلاش می‌کند: «تُحاوِلُ» - برای ترویج: «لإشاعة» - بی‌بندوباری: «التَّحَلَّلَ» - جوانان مسلمان: «الشّباب المسلمین» (به صورت موصوف و صفت)
- ۶- گزینه «۲»، انسانی که آرزوهایش را کوتاه و کم می‌کند، او رستگار است» با درنظر گرفتن معنای عبارت مورد سؤال «آرزوها را در دنیا کوتاه و کم کن تا رستگار شوی».
- ۷- گزینه «۱»، «تنظیم وقت، انسان را به زحمت می‌اندازد ولی برای او خوشبختی می‌آورد».
- ۸- گزینه «۳»، تنظیم وقت خوشبختی را برای انسان سبب می‌شود.
- ۹- گزینه «۳»، «تنظیمُ وقتِ الفراغِ یُسبِبُ حَیَاةً أَسْعَدَ و أَجْمَلَ»
- ۱۰- گزینه «۳»، «تنظیمُ الوقتِ مهمٌّ فی حَیَاةِ الإنسانِ و وسیلةٌ لِسَعَادَتِهِ»
- ۱۱- گزینه «۲»، در سایر گزینه‌ها «افتعال - مبنیّ خبر محلاً مرفوع - زیاده حرفین - لازم - ضمیر بارز - مبتدأ مؤخّر و مرفوع محلاً» نادرست هستند.
- ۱۲- گزینه «۴»، در سایر گزینه‌ها «معرفة - منصرف - مضاف‌الیه - بالكسرة الظاهرة - مؤنث - مبنیّ» نادرست هستند.
- ۱۳- گزینه «۳»، «الراضی» اسم منقوص است و در حالت نصب اعراب ظاهری اصلی دارد. مفعول به و منصوب با اعراب ظاهری اصلی است. در سایر گزینه‌ها کلمه‌های «ماضٍ، عقل، هُدی» اعراب تقدیری دارند.
- ۱۴- گزینه «۳»، «یدای» تشکیل شده است از «یدان + ی» و نون آن به خاطر اضافه شدن حذف شده است. توضیح این که اسم منئی هرگاه به ضمیر «باء متکلم» اضافه شود، اعرابش فرعی می‌باشد نه تقدیری.

۱۵- گزینه «۳»، «القاضی» منقوص و در حالت جر اعرابش تقدیری است در سایر گزینه‌ها: «القاضی» مفعول‌به و منصوب به اعراب ظاهری اصلی است.

۱۶- گزینه «۴»، «من» مفعول‌به و محلاً منصوب است. سایر گزینه‌ها، گزینه «۱»: «من» خبر مفرد و مرفوع محلاً، گزینه «۲»: «من» فاعل و مرفوع محلاً، گزینه «۳»: «من» مبتدا و مرفوع محلاً است.

۱۷- گزینه «۲»، «انسان وقتی که به اهدافش برسد، بانقوا می‌گردد»، از نظر معنی ارتباطی یا عبارت سؤال «و تقوای الهی را پیشه کن زیرا تقوای الهی نزدیک و مجاور قلب انسانی نمی‌شود مگر این که (به خدا) برسد» ندارد.

۱۸- گزینه «۱»، شرایط اسم منقوص حرف «یاء» ما قبل مکسور است و یاء آخر آن مشدّد نباشد و حرف «یاء» جزء ریشه کلمه باشد که این شرایط همه در گزینه‌ی اول موجود می‌باشد. گزینه «۲»: در هیچ کلمه‌ای شرایط فوق وجود ندارد. گزینه «۳»: جز کلمه «الرأعی» سایر کلمات شرایط فوق را ندارند. گزینه «۴»: جز کلمه «الباقی» سایر کلمات شرایط فوق را دارا نیستند.

۱۹- گزینه «۱» «موسی و وادی»: تقدیراً مجرور به حرف جر، «هدی»: تقدیراً مرفوع است (چون خبر برای مبتدا می‌باشد)، (اسم مقصور در هر سه حالت رفع، نصب و جر اعراب تقدیری دارد و اسم منقوص تنها در دو حالت رفع و جر، اعرابش تقدیری است).

۲۰- گزینه «۲» «أختا و الصغیرتان»، هر دو مرفوع بالالف (علامت فرعی و ظاهری)، اما در سایر گزینه‌ها: «الراضی، لیالی، والی» هر سه مرفوع با علامت تقدیری هستند زیرا منقوص می‌باشند.

■ پاسخ پیش‌آزمون مرآت

- ۱- گزینۀ «۴»، «تَحَدَّثَ»: صحبت کرد / «فی الصَّفِّ»: در کلاس / «عن المجالات العلمیَّة»: دربارهٔ زمینه‌های علمی / «المتنوعَة»: گوناگون / «المجتمع»: جامعه
- 
- ۲- گزینۀ «۱»، «تُحَدِّثُ»: به وجود می‌آورد، «تَقْدِرُ»: می‌توانیم
- 
- ۳- گزینۀ «۳»، «الَّذی»: کسی که، «یعرف»: می‌شناسد، «یعمل للحصول علیه»: برای (به‌خاطر) به دست آوردن آن کار می‌کند، «و لا یتعَب»: و خسته نمی‌شود.
- 
- ۴- گزینۀ «۲»، خطای سایر گزینه‌ها:  
 گزینۀ «۱»: «مَنْ» ترجمه نشده است.  
 گزینۀ «۳»: «من لا یَعْلَمُ»: کسی که نمی‌داند، «التَّجَارِبُ»: تجربه‌ها  
 گزینۀ «۴»: «الَّذی»: کسی که، «أمانیَّ»: جمع مکسر «أمنیَّة»: آرزوها
- 
- ۵- گزینۀ «۲»، ترجمهٔ صحیح سایر گزینه‌ها:  
 گزینۀ «۱»: مردم به سوی مزرعه رفتند و به او کمک کردند.  
 گزینۀ «۳»: ما از هر فرصتی برای رسیدن به آرزوهایمان استفاده می‌کنیم.  
 گزینۀ «۴»: زنان مؤمن هنگام دشواری‌ها بردبار هستند.  
 ضمناً مصدر می‌تواند به صورت فعل ترجمه شود: «رعاية»: رعایت کنند (در گزینۀ «۲»)
- 
- ۶- گزینۀ «۴»، «شاهدت» باید به صورت مضارع (تُشَاهِدُ) بیاید.
- 
- ۷- گزینۀ «۳»، ترجمهٔ گزینه‌ها:  
 گزینۀ «۱»: پزشکان ما را از ورزش دور می‌کنند.  
 گزینۀ «۲»: تنبلی موجب پیشرفت در زندگی می‌شود.  
 گزینۀ «۳»: شنا کردن موجب نشاط در انسان می‌شود.  
 گزینۀ «۴»: ورزش ما را از تنبلی دور نمی‌کند.
- 
- ۸- گزینۀ «۱»، «نحن نحصل علی سلامة الجسم بالرياضة» صحیح است، در حالی که گزینۀ «۱» می‌گوید: «ما با تنبلی سلامتی جسم را به دست می‌آوریم».
- 
- ۹- گزینۀ «۱»، حرکت‌گذاری صحیح کل عبارت: «الرياضة مفیدة لکل فرد و هی تُسببُ سلامة الجسم».

۱۰- گزینه «۲»، «تُبْعِدُ»: در این جا، صیغه «لِلغائبة» (مفرد مؤنث غایب) است.

۱۱- گزینه «۳»، ضمیر مبنی است و دارای اعراب محلی می باشد.

۱۲- گزینه «۱»، «الْهُدَى» مفعول به و تقدیراً منصوب است. در گزینه های «۲» و «۳» «لذات» و «السیئات» منصوب با اعراب فرعی هستند. در گزینه «۴» «الرأضی» منصوب با اعراب اصلی است.

۱۳- گزینه «۴»، «مناطق» غیر منصرف و مجرور با اعراب فرعی فتحه است. (اسم های غیر منصرف در صورتی که مضاف واقع شوند یا «ال» بگیرند، می توانند حرکت کسره را به صورت اصلی بپذیرند، ولی در هیچ حالتی تنوین نمی پذیرند.)

۱۴- گزینه «۱»، «أهالی» اسم منقوص است که در حالت رفع علامت اعرایش تقدیری است و در این جمله نقش فاعل و مرفوع تقدیراً را دارد و چون مضاف است، نه می تواند «ال» بگیرد و نه «یاء» آن به تنوین تبدیل شود.

۱۵- گزینه «۴»، «تلمیذات» مفعول به و منصوب با اعراب فرعی حرکت کسره است.

خردمندان بزرگ، زبانی کوچک، گوش هایی فوی  
و قلبی کودکانه دارند.



حماقت، رفتاری که اگر درست در جای خود  
به کار رود، عاقلانه ترین رفتار است.

دانش آموزان را از لذت انجام دادن آزمایش  
محروم نکنیم! حتی اگر آزمایش آن قدر ساده  
باشد که نتیجه را از پیش بدانند!

کودک چیزی را یاد می گیرد که به آن نیاز  
دارد، پس مطالب و آموزه ها باید بر کانون نیاز  
کودک همراه شود.